



رئاسة الشؤون الدينية
بالمسجد الحرام والمسجد النبوي

فارسی

فارسي

أَنَا مُسْلِمٌ

من مسلمانم



کمیته علمی اداره امور دینی مسجد الحرام و مسجد نبوی

٣) جمعية خدمة المحتوى الإسلامي باللغات ، ١٤٤٨هـ

جمعية خدمة المحتوى الإسلامي باللغات
أنا مسلم - فارسي. / جمعية خدمة المحتوى الإسلامي باللغات -
ط١. -. الرياض ، ١٤٤٨هـ
٢٣ ص :..سم

رقم الإيداع: ١٤٤٨/٥٥٩٨
رلمك: ٦-٣-٥٠٣-٥١٧-٦٠٣-٩٧٨

أَنَا مُسْلِمٌ

من مسلمانم

اللَّجَّةُ الْعِلْمِيَّةُ

بِرئاسة الشُّؤُونِ الدِّيْنِيَّةِ بِالمَسْجِدِ الحَرَامِ وَالمَسْجِدِ النَّبَوِيِّ

كميته علمى اداره امور دينى مسجد الحرام و مسجد نبوى

من مسلمانم، یعنی دین من اسلام است.

اسلام واژه‌ی بزرگ و مقدسی است که پیامبران -علیهم السلام- یکی پس از دیگری تا خاتم پیامبران، آن را به ارث برده‌اند؛

این واژه، حامل معانی والا و ارزش‌های بزرگی است.

و به معنای تسلیم شدن، گردن نهادن و اطاعت از خالق است.

و همچنین به معنای سلامتی، صلح، خوشبختی، امنیت و آسایش برای فرد و جامعه است.

به همین دلیل است که واژه‌های سلام (صلح) و اسلام از پرتکرارترین کلمات در شریعت اسلام است.

چنانکه «سلام» یکی از اسامی الله متعال است.

و تحیت و خوش آمدگویی مسلمانان با یکدیگر «سلام» است.

و همچنان که تحیت بهشتیان «سلام» است؛

و مسلمان واقعی کسی است که مسلمانان از دست و زبان او در

اسلام دین خوبی‌ها برای همه مردم است؛ برای همه آن‌ها کافی است و راه و مسیر سعادت‌شان در دنیا و آخرت می‌باشد.

به همین دلیل است که به مثابه دین پایانی، جامع، گسترده و روشن و باز به روی همه آمد تا هیچ نژادی بر نژاد دیگری برتری نداشته باشد و نه هیچ رنگی بر رنگ دیگر؛ بلکه به همه مردم به یک دید می‌نگرد.

در اسلام هیچ کس بر دیگری تمایز ندارد، مگر به اندازه‌ای که تعالیم دین را دریافت [و عملی] کند.

به همین دلیل است که همه اشخاص سالم و دادگر آن را می‌پذیرند، چون مطابق فطرت آدمی است.

چراکه هر انسانی بر اساس فطرت [سالم] بر نیکی، عدالت و آزادی به دنیا می‌آید و پروردگارش را دوست می‌دارد و اذعان می‌کند که تنها او معبود مستحق عبادت است و نه هیچ‌کسی جز او.

و این فاکتورهای بیرونی هستند که او را از این فطرت دور می‌کنند و به بیراهه می‌برند؛

و این دینی است که خالق مردم، پروردگار و معبودشان برای آنها برگزیده است.

دین من اسلام، به من می‌آموزد که در این دنیا زندگی می‌کنم و پس از مرگ به سرای دیگری که سرای آخرت و بقاست، منتقل می‌شوم؛ سرائی که مسیر مردم در آن، یا به سوی بهشت است و یا به سوی دوزخ.

دینم اسلام مرا به اموری امر می‌کند و از اموری دیگر باز می‌دارد. اگر این اوامر را انجام دهم و از آن نواهی دوری کنم، در دنیا و آخرت سعادت‌مند و رستگار می‌شوم؛

و اگر سستی و غفلت کنم، به اندازه قصور و غفتم، بدبختی دنیا و آخرت نصیب می‌شود.

و بزرگترین چیزی که اسلام به من دستور داده، توحید و یگانگی

الله متعال است.

من شهادت می‌دهم و اعتقاد راسخ دارم که الله، خالق و معبود
من است؛

بنابراین فقط الله را عبادت می‌کنم. عبادتم را بر اساس محبت به
او، ترس از مجازاتش، امید به پاداشش و توکل بر او انجام می‌دهم.
و آن توحید، با شهادت دادن به یگانگی الله متعال و رسالت
پیامبرش محمد صلی الله علیه وسلم نمایان می‌شود.

محمد خاتم الأنبياء است؛ الله متعال او را به عنوان رحمتی برای
جهانیان فرستاد و نبوت و رسالت را با او به پایان رساند و بعد از او
پیامبری نخواهد بود.

و او با دینی فراگیر آمد که برای هر زمان و مکان و امتی مناسب
است.

و دینم به من دستور قاطع می‌دهد که به همه فرشتگان و پیامبران
که در رأس آنها نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد علیهم

السلام قرار دارند، ایمان بیاورم.

و به من دستور می دهد که به کتاب های آسمانی که بر پیامبران نازل شده ایمان بیاورم و از آخرین و خاتم و بزرگترین آنها که قرآن کریم است، پیروی کنم.

و دینم مرا امر می کند که به روز آخرت ایمان بیاورم؛ روزی که در آن مردم جزای اعمال شان را می گیرند،

و به من امر می کند که به قدر ایمان بیاورم و در این حیات دنیوی به خوشی ها و ناخوشی ها راضی باشم و تا جایی که می توانم از اسباب نجات استفاده کنم.

ایمان به تقدیر به من آرامش، اطمینان، صبر و حسرت نخوردن برای از دست رفته ها می دهد.

زیرا به یقین می دانم که آنچه برایم اتفاق افتاده، قرار نبوده که برایم اتفاق نیفتد و آنچه برایم اتفاق نیفتاده است، قرار نبوده که برایم اتفاق بیفتد.

همه چیز را الله عزوجل مقدر کرده و نوشته است و من فقط باید از اسباب و وسایل استفاده کنم و به اتفاقات بعد از آن راضی باشم. اسلام مرا به اعمال نیکی امر می کند که روح را پاک می سازد و به اخلاق والایی فرمان می دهد که باعث خشنودی پروردگار و پاکسازی روح و سعادت قلب و گشایش سینه و روشنی راه من می شود و مرا به یک عضو سودمند در جامعه تبدیل می کند.

و بزرگترین آن اعمال: توحید الله، برپا داشتن نمازهای پنج گانه در شبانه روز، ادای زکات مال، روزه یک ماه در سال که همان ماه رمضان است و حج بیت الله الحرام در مکه برای کسانی که است توانایی حج را دارند.

و یکی از بزرگترین چیزهایی که دینم مرا به آن راهنمایی کرده و سینه ام را فراخ می سازد، قرائت زیاد قرآن است که کلام الله و صحیح ترین سخن و زیباترین و والاترین کلام است و زیباترین سخنی است که شامل علوم گذشتگان و آیندگان است.

لذا قرائت یا گوش دادن به آن، باعث آرامش و آسایش و شادی

دل می‌شود، حتی اگر خواننده یا شنونده عربی را به خوبی نداند یا اصلاً مسلمان نباشد.

از بزرگ‌ترین مواردی که شرح صدر به همراه دارد، خواندن الله و پناه بردن به او و خواستن هر چیز کوچک و بزرگی از او می‌باشد؛ چراکه الله دعای کسی که فقط او را می‌خواند و عبادت را مختص او قرار می‌دهد، اجابت می‌کند.

و یکی از بزرگ‌ترین چیزهایی که سینه را فراخ می‌سازد، ذکر زیاد الله عزوجل است.

پیامبر صلی الله علیه وسلم مرا به کیفیت ذکر الله عزوجل راهنمایی کرده است و بهترین روشی که می‌توان الله را ذکر کرد به من آموخته است.

از جمله، چهار کلمه‌ای هست که بهترین گفتار بعد از قرآن هستند و عبارتند از: «سبحان الله و الحمد لله و لا إله إلا الله و الله أكبر».

و همچنین «استغفر الله، ولا حول ولا قوة إلا بالله». یعنی: از الله عزوجل طلب آمرزش می‌کنم و هیچ خواست و قدرتی به جز خواست و قدرت الهی نیست.

این کلمات، تأثیر شگفت‌انگیزی بر فراخی سینه و نزول آرامش بر قلب می‌گذارند.

اسلام به من دستور می‌دهد که قدر خود را بالا بدانم و خودم را از آنچه انسانیت و حیثیت را پایین می‌آورد، دور نگهدارم.

و ذهن و اندامم را در کار سودمندی در دین و دنیا به کار گیرم که برای آن آفریده شده‌ام.

اسلام به من دستور می‌دهد که مهربان باشم، خوش اخلاق باشم، خوش رفتار باشم و در گفتار و عمل تا جایی که می‌توانم به مردم نیکی و احسان کنم.

از بزرگ‌ترین مواردی که در رابطه با حقوق بندگان بدان امر شده‌ام، حق والدین است. دین من به من دستور می‌دهد که به آنها نیکی کنم، خیرخواه‌شان باشم و مشتاق خوشبختی و شادی‌شان باشم

و به آنها نفع برسانم؛ مخصوصاً هنگام سال خوردگی و پیری.

به همین دلیل است که در جوامع اسلامی، مادر و پدر را در جایگاه بسیار والایی از تقدیر و احترام و خدمت از سوی فرزندان می‌بینید.

والدین هر چه بزرگ‌تر بشوند، یا بیمار شوند، یا هر چه ناتوان‌تر شوند، فرزندان‌شان بیشتر به آن‌ها نیکی می‌کنند.

دینم به من آموخته است که زن کرامت و حقوق و جایگاه والایی دارد.

زنان در اسلام مشابه مردان هستند و بهترین مردم بهترین آنها برای خانواده خودش است.

دختر مسلمان در دوران کودکی حق شیرخوارگی، مراقبت و تربیت نیکو دارد و او در آن زمان نور چشم و جگرگوشه والدین و برادرانش است.

و زمانی که بزرگ شد، مورد عزت و احترام خانواده است و

سرپرستش نسبت به او غیرت دارد و از او مراقبت می کند.

و راضی نمی شود که دست هایی به بدی به سوی او دراز شوند، یا کسانی با زبان شان او را بیازارند و چشمانی خائن به وی نگاه کنند.

و چون ازدواج کند، طبق چارچوبی ازدواج می کند که الله متعال تعیین کرده است و ازدواج او پیمانی استوار می باشد؛ و به این ترتیب در خانه ی شوهر با عزت و کرامت بوده و بر شوهرش واجب است که او را گرمی دارد و با او به نیکی رفتار کند و از اذیت و آزارش خودداری نماید.

و چون مادر باشد، نیکی به او مقرون به اطاعت از الله تعالی است و نافرمانی و بدی به او مقرون با شرک به الله و فساد در زمین است. و اگر خواهر باشد، بر شخص مسلمان امر شده است که پیوندهای خویشاوندی خود را با وی حفظ کرده و او را گرمی داشته و نسبت به او غیرت داشته باشد.

و اگر خاله باشد، در نیکی و رابطه ی خویشاوندی، همانند مادر است.

و اگر مادر بزرگ یا سالخورده باشد، ارزشش برای فرزندان و نوه‌ها و همه اقوامش بیشتر می‌شود تا جایی که نه خواسته‌اش رد می‌شود و نه نظرش نادیده گرفته می‌شود.

و چون نسبت به انسان بیگانه باشد، نه خویشاوند باشد و نه همسایه، باز هم حقوق عام مسلمانی را دارد که برخی از آن‌ها عبارتند از: خودداری از اذیت و آزار وی، حفظ و فرو بستن چشمان [از نگاه بد به وی] و سایر حقوق.

جوامع مسلمان همواره این حقوق را به بهترین نحو رعایت می‌کنند که به زن ارزش و اعتبار والایی می‌دهد که در جوامع غیر اسلامی وجود ندارد.

علاوه بر این، در اسلام، زن حق مالکیت، اجاره، خرید و فروش و انجام کلیه عقد و قراردادهای دیگر را دارد و همچنین حق یادگیری و آموزش و تدریس و کار دارد، به نحوی که مخالف دینش نباشد. بلکه برخی علوم فرض عین هستند و تارک آن گناه کار می‌شود چه مرد باشد یا زن.

بلکه زنان تمام حقوقی را دارند که مردان از آنها برخوردارند مگر آن حقوق و احکامی که مختص خود زنان است و یا مختص مردان است. حقوق و احکامی که در جای خود متناسب هریک از آنها می باشد که تفصیل آن در جای خود می باشد.

دینم مرا به محبت کردن به برادران، خواهران، عموها، عمه ها، دایی ها، خاله ها و همه خویشاوندانم امر می کند و همچنین به احقاق حقوق همسر و فرزندان و همسایگانم فرمان می دهد.

دینم به من دستور می دهد که علم بیاموزم و مرا به انجام هر کاری که عقل، اخلاق و اندیشه ام را ارتقا می دهد، ترغیب می کند.

دینم مرا به حیا، بردباری، سخاوت، شجاعت، درایت، متانت، صبر، امانتداری، فروتنی، پاکدامنی، دوری از هرگونه بدی، وفاداری، خیرخواهی برای مردم و تلاش برای کسب روزی، احسان به فقرا، عیادت بیماران، وفای به عهد، سخن نیکو، خوشروئی با مردم و اشتیاق سعادت مندی آنان تا جایی که بتوانم امر می کند.

در مقابل، مرا از جهل برحذر می‌دارد و از کفر، الحاد، نافرمانی، زشتی‌ها، زنا، انحرافات جنسی، تکبر، حسد، کینه، بدگمانی، بدبینی، بدشگونی، اندوه، دروغ، ناامیدی، بخل، تبلی، بزدلی، بطالت، خشم، بی‌احتیاطی، حماقت، بدی به مردم، سخن زیاد بیهوده، افشای اسرار، خیانت، عهدشکنی، نافرمانی پدر و مادر، قطع رابطه خویشاوندی، بی‌توجهی به فرزندان، اذیت و آزار همسایه و مردم نیز برحذر داشته است.

همچنین اسلام مرا از نوشیدن مشروبات مست‌کننده، مصرف مواد مخدر، قمار، دزدی، تقلب، فریب، ترساندن مردم، جاسوسی مردم و دنبال کردن عیب‌های‌شان نیز منع کرده است.

و دین من اسلام، اموال را حفظ می‌کند، چرا که افزایش آرامش و امنیت به همراه دارد؛ از این رو به امانت‌داری تشویق کرده و امانت‌داران را ستوده و به آنان وعده زندگی پاک و ورود به بهشت در آخرت را داده است؛ و دزدی را حرام دانسته و مرتکب آن را به عذاب دنیا و آخرت تهدید کرده است.

دین من از جان اشخاص محافظت می‌کند، به همین دلیل است که کشتن شخص به ناحق را حرام می‌داند و از هر گونه تعرض به دیگران نهی می‌کند حتی اگر به صورت لفظی باشد.

بلکه تعدی انسان در حق خودش را نیز حرام دانسته است و جایز ندانسته که انسان عقل خود را تباه کند و یا سلامتی خود را از بین ببرد و یا خودکشی کند.

دین اسلام آزادی‌ها را تضمین کرده و آن را کنترل و نظام‌مند می‌کند؛

پس انسان در دین اسلام آزاد است؛ در فکر و اندیشه‌اش، در خرید و فروشش، در تجارتش و در رفت و آمدش. همچنین در استفاده و لذت بردن از خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها و پوشیدنی‌ها و شنیدنی‌ها آزاد است مادامی که مرتکب فعل حرامی نشده باشد که موجب زیان دیدن خود یا دیگران شود.

دین من آزادی‌ها را قاعده‌مند و کنترل می‌کند؛ نه اجازه می‌دهد کسی [به بهانه آزادی] به حق دیگران دست درازی کند و نه اجازه

می‌دهد انسان به دام لذت‌های حرامی بیفتد که مال، سعادت و انسانیت او را از بین می‌برد.

و اگر به کسانی نگاه کنید که در همه چیز به خود آزادی مطلق داده‌اند و تسلیم تمامی خواسته‌های شهوانی خود شده‌اند بدون این که دین و عقل، آن‌ها را باز دارد، متوجه می‌شوید که در پایین‌ترین درجات بدبختی و پریشانی زندگی می‌کنند و برخی از آن‌ها را می‌بینید که برای رهایی از اضطراب، رو به خودکشی می‌آورند.

دینم بهترین آداب خوردن، آشامیدن، خوابیدن و معاشرت با مردم را به من آموزش می‌دهد.

دینم، آسان‌گیری و مدارا در خرید و فروش و مطالبه‌ی حقوق را به من می‌آموزد.

دینم به من یاد می‌دهد که با مخالفین دین، آسان‌گیری و مدارا کنم؛ نه به آن‌ها ظلم کنم و نه به آن‌ها بدی کنم، بلکه به آنان نیکی کنم و امید رسیدن خیر به آن‌ها داشته باشم.

تاریخ مسلمانان به مدارای آن‌ها با مخالفین گواهی می‌دهد،

مدارایی که در هیچ ملتی پیش از آنان دیده نشده است.

مسلمانان با مردمی از ادیان مختلف و تحت حاکمیت پادشاه مسلمان زندگی می کردند، با این حال با همگی به بهترین نحو ممکن رفتار می کردند.

در مجموع، اسلام نکات ریز و دقیق معاشرت، خوش رفتاری و اخلاق شرافتمندانه را به من آموخته است که زندگی مرا پاک و شادی مرا دوچندان و کامل می سازد.

و مرا از هر چیزی که زندگی ام را مکدر می کند و یا برای شخصیت اجتماعی، روح و روان، عقل، مال، شرف یا ناموس من مضر باشد، نهی کرده است.

و میزان سعادت و خوشبختی من بر حسب پایبندی و تعهد به این آموزه ها می باشد؛

و به اندازه کم کاری و سهل انگاری من در برخی از آنها، از خوشبختی و سعادت من کاسته می شود.

اما این به معنای آن نیست که من معصوم و مصون از گناه و اشتباه هستم و کوتاهی نمی‌کنم، دین من، طبیعت بشری و ضعف مرا در برخی مواقع در نظر می‌گیرد، پس اشتباه، کوتاهی و سهل انگاری از من سر می‌زند؛ به همین دلیل باب توبه و استغفار و بازگشت به سوی الله را به روی من باز گذاشته است. چنانکه توبه آثار غفلت مرا از بین برده و جایگاهم را نزد پروردگارم بالا می‌برد.

همه آموزه‌های دین اسلام از عقاید و اخلاق گرفته تا آداب و معاملات، منبعش قرآن کریم و سنت پاک نبوی است.

در پایان، با قاطعیت می‌گوییم: اگر هر انسانی در هر مکانی از جهان، به حقیقت دین اسلام با چشم عدالت و انصاف و به دور از خواهشات خود بنگرد، آن را می‌پذیرد و وارد اسلام می‌شود؛ اما مصیبت این است که دین اسلام با تبلیغات دروغین دشمنانش و یا با اعمال برخی منتسبین به اسلام که که پابندی شایسته به آن را ندارند، جلوه‌گر چهره‌ی بدی از آن شده است.

و اگر کسی به حقیقت آن چنان که هست، یا به احوال اشخاصی

که پایبند واقعی و حقیقی این دین هستند بنگرد، در پذیرش آن و ورود به آن لحظه‌ای درنگ نمی‌کند.

و برای او روشن خواهد شد که اسلام خواستار سعادت، آرامش و امنیت انسان و گسترش عدالت و احسان است.

در مورد انحرافات برخی از منتسبین به اسلام - چه کم باشد و چه زیاد - در هیچ صورتی نمی‌توان آن را به پای دین گذاشت یا بدان وسیله دین را سرزنش و یا از آن ایراد گرفت، بلکه دین از این انحرافات، پاک و مبرا است.

و مسئولیت و پیامد انحراف به عهده خود منحرفین است؛ چرا که اسلام به آنها چنین دستوری نداده است؛ بلکه آنها را از انحراف از آموزه‌هایش نهی کرده و بازداشتی است.

پس، اقتضای رعایت عدالت این است که اشخاصی در نظر گرفته شوند که چنانکه باید پایبند این دین هستند؛ آن کسانی که حق پایبندی را ادا کرده و اوامر الهی را اجرا می‌کنند و احکام دین را در رابطه با خود و دیگران عملی می‌نمایند؛ چنین نگاه عادلانه‌ای است

که دل‌ها را از شکوه و بزرگی این دین و اهل آن پر می‌کند.

اسلام، هیچ امر کوچک و یا بزرگی از هدایت و خودسازی را رها نکرده مگر این که بدان تشویق کرده است و هیچ شر و زشتی را رها نکرده مگر این که از آن بازداشته و راهش را بسته است.

از این رو پیروان اسلام، با به جا آوردن مناسک‌ش سعادتمندترین مردمند و در بالاترین مرحله خودسازی و تربیت، بر سرشت نیک و مکارم اخلاقی هستند و نزدیک و دور و موافق و مخالف به این گواهی می‌دهد.

اما صرفاً نگاه به حال مسلمانانی که از دین خود غافل شده‌اند و از راه مستقیم آن منحرف گشته‌اند، به هیچ وجه عادلانه نیست، بلکه خود ظلم است.

فہرست

۱ من مسلمانم



رسالة الحرمين

پیام حرمین

محتوای ارشادی و شرعی برای زائران
مسجد الحرام و مسجد نبوی به زبان‌ها



978-603-517-503-6